

بررسی نظام آموزشی

محمد ابراهیم جناتی

سخنرانی در کارگاه آموزش فرهنگستان علوم

چکیده: در این مقاله نظام آموزشی به طور کلی از دیدگاه کلی و نیازهای زمان مورد بررسی و بحث قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: بازنگری در آموزش، واقعیت‌ها و نیازها.

۱. مقدمه

در این جلسه باشکوه که جمعی از استادان برجسته و دانشمندان و فرزندگان فرهیخته و متخصصانی که آشنایی تخصصی با آموزه‌های آموزشی از حیث کمیت و کیفیت دارند، در آن حاضرند، اینجانب به فراخور حال، اندکی در ارتباط با موضوع به بیان چند نکته بسنده می‌کنم، امید آنکه سودمند واقع شود.

نکته اول

باید در نظام آموزشی در همه مراحل آن واژه‌ها مطابق با شرایط و وضعیت رایج عصر به کار گرفته شود، زیرا این کار نقش بسزایی در زمینه‌سازی فهم بهتر و آسانتر دانش‌آموزان و دانشجویان دارد.

بر همگان واضح است که همواره واژه‌ها در بستر زمان با حیات و مظاهر نوین زندگی در حال دگرگونی است و همدوش با تحول زمان و شرایط آن در حال تحول و پیشرفت است و هر چه زمان می‌گذرد و رویدادهای نو به نوبه آن رخ می‌نماید، واژه‌ها نیز تحول و پیشرفت پیدا می‌کنند و بدین جهت، ما امروز شاهدیم که واژه‌هایی که در گذشته به کار می‌رفت، در همه ابعاد زندگی در بعد علمی، فرهنگی، دینی، مذهبی، سیاسی، آموزشی و... با امروز تفاوت بسیار دارد، پس باید از واژه‌هایی که امروز رایج است در نظام آموزشی بهره گرفت. امروزه دیده می‌شود که برخی از واژه‌هایی که در مراکز تحصیلی و آموزشی به کار گرفته می‌شود همان‌هایی است که در زمان‌های گذشته به کار گرفته می‌شد و بر همان سنت دیرینه خود باقی هستند.

با اینکه واژه‌ها در هر عصر و زمانی وسایل و ابزاری است برای تعبیر انسان از آنچه که آن را مطرح می‌کند و یکی از آنها آموزش است، پس باید آموزگار و استاد در مقام آموزش و تفهیم دانشجویان و دانش‌آموزان در برنامه‌های آموزشی واژه‌های متعارف عصر جدید را رعایت کنند تا از این طریق، معلومات عصر جدید با شیوه مناسب آن به نسلی که در این عصر زندگی می‌کند، انتقال یابد.

نکته دوم

باید در نظام آموزشی و در همه مراحل آن شیوه‌ای که مناسب با آموزه‌های آموزشی عصر جدید باشد گزینش شود؛ شیوه‌ها هم مانند واژه‌ها همواره با تحول زمان و شرایط آن در تحول‌اند و هر زمانی آموزش شیوه خاصی را می‌طلبد که باید آموزگار و استاد آن را که مناسب با آن زمان است، به کار گیرد.

تردیدی نیست در اینکه اصل پدیده نظام آموزشی مانند هر پدیده دیگری از سویی در طول زمان ثابت است و با تغییر زمان و شرایط آن متحول نمی‌شود، و از سوی دیگر، تردیدی نیست در اینکه شیوه آموزش و تبیین مسایل و مطالب و پرداخت و تنظیم و جانداختن آنها برای دانشجو و دانش آموز از روزگاری به روزگاری دیگر و از دیدگاهی به دیدگاه دیگر به گونه کامل تغییر و تحول پذیر است. بر این اساس، همگون کردن شیوه‌ها متناسب با دگرگونی زمان و شرایط آن در نظام آموزشی الزامی و اجتناب‌ناپذیر است.

من نمونه‌هایی از شیوه‌ای که مورد پسند است و باید متصدی تعلیم و تربیت در نظام آموزشی آن را در ابعادی رعایت کند، به شرح زیر ارائه می‌دهم:

الف. در بعد آموزشی

۱. آسان کردن مطالب از راه بیان نمونه‌ها و مثال‌ها؛ در حدیث آمده است: «عَلِّمُوا وِيسْرًا»؛ آموزش دهید و آن را آسان سازید.
۲. بیان معانی واژه‌ها به گونه‌ای واضح مطابق آنچه در جامعه رایج است تا نیاز دانشجو و دانش آموز را به محتوای دروس به روشنی برآورده سازد و درس‌ها برایشان مفیدتر و ثمربخش‌تر شود.
۳. طرح موضوعات و مسایل با رعایت سیر منطقی برای آنها با زبان سلیس و روان به دور از ابهام‌ها و پیچیدگی‌های و کاستی‌ها.
۴. تشویق دانش آموز و دانشجو به نسوشتن و اندیشیدن و تعلیم چگونه اندیشیدن و نتیجه گرفتن.
۵. ترغیب آنها به گفتگو و تحقیق در مسایلی که مطرح می‌شود.
۶. وادار کردن آنها به پرسش و پروراندن روحیه پرسشگری در آنان.

۷. ترغیب دانشجو به گرفتن دانش از زبان رجال علم و دانشمندان و منع کردن آنها از اینکه علم و دانش را از کسی فراگیرند که دانش را از دفاتر دریافت کرده است [بدون استاد و راهنمایی وی].

این کلام پیامبر (ص) است که فرمود:

«خذ العلم من افواه الرجال و نهی عن الاخذ من اخذ علمه من الدفاتر».

به سخن دیگر باید علم را از راه درس فراگرفت، نه از راه نوشته و بدون استاد. ۸. ترغیب دانشجو به گفت و شنود (محادثة) و گفتگو (مباحثه) در علم و دانش، زیرا این امر برای به دست آوردن مطالب علمی و استخراج دانستنی‌ها به نفس آمادگی کامل می‌بخشد. رسول خدا امر کرد: «بالمحادثة فی العلم و المباحثة فیه».

آن حضرت در باره فایده گفت و شنود و گفتگو فرمود: «فانها تفید النفس استعداداً تاماً لتحصيل المطالب و استخراج المجهولات».

۹. ارائه کارآمدی متون آموزشی در دوره‌های مختلف در راستای هدف آموزش و تبیین اهداف آن و این تأثیر به‌سزایی در جذب دانشجویان دارد.

۱۰. گزینش آموزگار و استادانی که در دوره‌های مختلف با شیوه‌های نوین تدریس و کلاس‌داری آشنایی کامل دارند و از به‌کارگیری روش‌های کهنه پرهیز می‌کنند.

۱۱. گزینش متون آموزشی، ولی پس از بازنگری جدید در آنها و حذف مسایل فرضی و غیرواقعی که جنبه کاربردی در علم ندارند و نیز هماهنگ‌کردن آنها با نیازها و شرایط و رویدادهای جامعه در هر رشته‌ای که تنظیم شده‌اند. باعث تأسف است که در برخی از رشته‌های علوم دیده می‌شود که آموزگاران و استادان آنها متون و جزوه‌های آموزشی را که قدمت چندین ساله دارند و برای زمان خودشان مفید بوده‌اند، همان‌ها را مورد آموزش و تدریس قرار می‌دهند، با اینکه همانند همه بخش‌های گوناگون زندگی و سازمان‌هایی که برای کار به وجود آمده‌اند، مطابق شرایط زمان کنونی نیاز به تحول و تکامل دارند و باید این تحول متون و نظام آموزشی زیر نظر افراد آگاه انجام پذیرد تا دانش‌آموزان و دانشجویان در زمان کمتر زودتر و بهتر به منظوری که در نظر است، برسند.

آموزش و پرورش از جمله عرصه‌هایی است که با پاسخگویی به موقع به نیازهای جامعه مطابق شرایط زمان و غلبه بر ضعف‌ها و کاستی‌های آن می‌تواند بسیاری از

مشکلات را در بیشتر ابعاد زندگی حل کند و خلاءها را پر و نارسایی‌ها را بر طرف سازد.

ب. بعد اخلاقی

۱. برخورد با دانشجو و دانش آموز با اخلاق و رفتار نیکو.
۲. مدارای با او به گونه‌ای که از آموزگار نهراسد تا بتواند مطلبی را که نفهمیده است، از وی پرسش کند. رسول خدا(ص) فرمود: «آموزگار و استاد باید در برابر دانشجو تواضع و فروتنی داشته باشد و نباید با وی رفتار بزرگ مایه و فخرآلود داشته باشد»
۳. باید سعی کند که خود را در بعد اخلاقی و رفتاری کامل کند تا بتواند الگو و اسوه دانشجویان قرار گیرد.
۴. هدایت و راهنمایی دانشجویان و دانش آموزان در همه شئونش به آنچه مفید است.
۵. ناظر بر تمام شئون دانشجو و راهنمای وی در تمام آنها باشد.

ج. در بعد مذهبی

۱. باید آموزش به ویژه آموزش کودکان در حد فهم آنان باشد.
۲. باید آموزش در مسایلی که به جنبه‌های اعتقادی، دینی و مذهبی و مسایل فرعی، شرعی و اخلاقی و شناساندن آنها مربوط است، به گونه‌ای باشد که آنها مجذوب شوند نه گریزان و بدین دلیل، باید بر اساس مبانی معتبر و عناصر اصلی شرعی آنها بیان شوند، نه بر اساس مبانی غیرمعتبر شرعی و عناصر ساخته شده توسط شیادان بر اساس اغراض و نه بر اساس ذوق و سلیقه افراد ناآگاه و ظاهرگرا و بسته‌ذهن و متحجر و دارای دید کوتاه.
۳. در آموزش قرآن باید از شیوه‌ها و روش‌های سمعی و بصری و تکنیک‌های آموزشی پیشرفته استفاده شود، مانند نمایش فیلم‌های آموزشی و امثال آنها چرا که تأثیر به‌سزایی در آسان‌سازی شیوه‌های آموزشی دارند و همچنین، آموزش از راه گفتن قصه‌های قرآنی و حکایت‌های شیرین مذهبی و نیز نقل‌های تاریخی انجام شود، زیرا از این راه‌ها می‌توان آموزش را سهل‌تر و کارآمدتر ساخت و انتقال آن را میسر کرد.
۴. باید در این زمینه پژوهش کرد که ببینیم آیا مناسب است که درس‌های دینی و مذهبی برای

دانش آموزان مانند درس های دیگر، همچون علوم فیزیک، ریاضی، شیمی، مهندسی و غیره باشد و ملاک آموزش نمره قلمداد شود یا آنکه بهتر است آزمون آنها و ملاک آموزش به صورت دیگری انجام شود. بعضی بر این اعتقادند که نباید شیوه آموزش علوم دینی مانند علوم دیگر باشد، زیرا توجه به نمره برخی از دانش آموزان را از جذابیت های دینی گریزان می کند و حتی ممکن است در آنها نوعی سرخوردگی مذهبی ایجاد کند و بعضی دیگر بر این اعتقادند که آزمون دروس دینی نیز باید مانند دروس دیگر باشد، زیرا این باعث نمی شود که جذابیت خود را که واقعی است، از دست بدهند.

اما با صرف نظر از اختلاف دیدگاه ها لازم است روش نمره دادن در دروس دینی مورد بحث قرار گیرد و مفهوم قبول شدن یا مردود و تجدید شدن در آنها بازنگری شود.

نتیجه گیری

دگرگونی واژه ها و شیوه ها همدوش با دگرگونی مظاهر زندگی و رویدادهای نو به نوبه آن در ابعاد گوناگون آن خواستار تغییر و تطویر در ساختار نظام آموزشی است، به گونه ای که نیاز دانش آموزان و دانشجویان را به برنامه های آموزشی به روشنی و سادگی و با زبان روزگارشان برآورده سازد.

پس همان طور که وقایع و رویدادهای نو در زندگی انسان ها پدید می آید، باید تعبیرات و واژه ها و شیوه ها و قالب نظام آموزشی هم نو شود. این در نظام آموزشی نیازی است که برای همه واضح و روشن است.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۱۱/۱۴)